

عالمی باہر و عالمی ممالک کی تاریخ

(بالمانی زبان میں)

پیشگفتار

فہرست

پہلا حصہ

پیشگفتار مرحوم ۷

جہان بہ مثابہ ارادہ و برابرنہاد ۷

جلد نخست ۱۱

پیشگفتار ویراست نخست ۱۱

پیشگفتار ویراست دوم ۱۱

پیشگفتار ویراست سوم ۱۱

دفتر نخست ۱۱

جہان بہ مثابہ برابرنہاد ۱۱

درنگری نخست ۱۱

۱

پیشگفتار ویراست نخست، دوم و سوم ۱۱

و ۱۱

دفتر نخست از جلد نخست ۱۱

جہان بہ مثابہ برابرنہاد ۱۱

درنگری نخست ۱۱

(ترجمہ از متن آلمانی) ۱۱

جہان بہ مثابہ ارادہ و برابرنہاد

نکات
نشر نگاه معاصر

آرتور شوپنہاور

محسن اکبری

فهرست

۷.....	پیشگفتار مترجم.....
۱۱.....	جهان به مثابه اراده و برابر نهاد.....
۱۱.....	جلد نخست.....
۱۳.....	پیشگفتار ویراست نخست.....
۲۲.....	پیشگفتار ویراست دوم.....
۳۸.....	پیشگفتار ویراست سوم.....
۴۱.....	دفتر نخست.....
۴۱.....	جهان به مثابه برابر نهاد.....
۴۱.....	درنگری نخست.....
۴۳.....	§ ۱.....
۴۶.....	§ ۲.....
۴۸.....	§ ۳.....
۵۱.....	§ ۴.....
۵۹.....	§ ۵.....
۶۸.....	§ ۶.....
۷۸.....	§ ۷.....
۹۴.....	§ ۸.....
۱۰۱.....	§ ۹.....
۱۲۰.....	§ ۱۰.....
۱۲۱.....	§ ۱۱.....
۱۲۴.....	§ ۱۲.....
۱۳۳.....	§ ۱۳.....
۱۳۷.....	§ ۱۴.....
۱۴۹.....	§ ۱۵.....
۱۷۱.....	§ ۱۶.....

پیشگفتار مترجم

اینک که شاهکار شوپنهاور، پس از گذشت نزدیک به دو سده از نگارش و پراکنش آن، نخستین بار و بی هیچ میانجی بیگانه، از شکوهمندی آلمانی، به فرهنگ پارسی فراخوانده می‌شود، باید خواننده‌ای را به انتظار نشست که در اندیشه گذار از روایت دیگران و به انگیزه آموختن از آموزگار، دشواری ناگزیر این ترجمه را تاب می‌آورد و گاه را به طلا ترجیح نمی‌دهد.

هر زبانی، حتی اگر پیراسته و آراسته فرهیختگان هم نباشد، افزون بر معنا و محتوایی که پیش می‌کشد، دیدگاهی به جهان و روشی برای اندیشیدن به آن را در خود و با خود، منعکس و تحمیل می‌کند که ناهم‌سنگ با دیدگاه و روش درون‌تافته به هر زبان دیگر، اگر ترجمه را ناممکن نکند، سیال و بی‌تعینش می‌سازد. از این‌رو، فرابرد حدود و امکانات درونی یک زبان و هم‌اندیشی با زبانی بیگانه از آن، چلیپای رنجی است که مترجم به دوش می‌کشد تا فترت فرهنگ و در خود-ماندگی اندیشه را با نثار ذهن و ضمیری تاوان دهد که دیری نه‌چندان دور، به فراموشی خاموش می‌رود. بدین‌سان، ترجمه پیش‌رو، با این باور خودآهنگ به سامان رسیده است که ترجمه یک اثر فلسفی، نه مصرف‌گرایی و سودازدگی فرهنگی، بلکه ایستادن بر شانه دیگران و گسترده‌دورنما است. مترجم، واسطه‌ای نیست که از میان برخیزد؛ او بازآفرینی است حاضر در بازآفریده‌اش.

جهان به مثابه اراده و برابر نهاد، بسان هر اثر اصیل، از تاریخ و جغرافیایی که از آن اثر پذیرفته و بر آن اثر نهاده است، فراتر می‌رود و با انسانی سخن می‌کند که از هستی و هستش، به شگفت یا به تنگ آمده است. این اثر، سامان نهایی‌اش را در یک مجلد دوجلدی بازیافته است. جلد نخست، چهار دفتر